



گزارش یک

زهرا چیدری



مراکز درمانی تخریب‌شده به چرخه خدمت باز می‌گردند

عضو هیئت رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی:

دولت با نگاه عملیاتی وارد حوزه بازسازی زیرساخت‌های بهداشت و سلامت آسیب‌دیده در جنگ شده است

این بخش برای نجات سه تن از نوزادان بستری در بیمارستان هستیم، با وجود آن، به گفته رئیس جمعیت هلال احمر برخی از این مراکز درمانی و بیمارستان‌ها به اندازه یک زلزله ۷/۵ ریشتری آسیب دیده و تعدادی از آنها از چرخه خدمت‌رسانی خارج شده‌اند که ضروری است هر چه سریع‌تر بر این بیمارستان و مراکز درمانی به چرخه خدمت‌رسانی باز گردند.

ضرر به به استمرار خدمات حیاتی سلامت
حسین عبدلی، عضو هیئت رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، با اشاره به حملات رژیم صهیونیستی و امریکا به مراکز درمانی و آسیب به بیش از ۵۰ خانه بهداشت و خارج شدن شش بیمارستان از چرخه خدمت گفت: «آنچه در این گزارش‌ها دیده می‌شود، صرفاً یک آسیب مقطعی نیست، بلکه موضوعی است که مستقیماً بر استمرار خدمات حیاتی سلامت در مناطق مختلف کشور اثر می‌گذارد.»

به گفته وی خانه‌های بهداشت به‌عنوان نقطه اتکای خدمات اولیه در مناطق روستایی و محروم، نقش مهمی در دسترسی مردم به خدمات سلامت دارند و هر گونه اختلال در عملکرد آنها، فشار مضاعفی را به شبکه درمانی و مراکز جایگزین وارد می‌کند.

همچنین خروج شش بیمارستان از چرخه خدمت، موضوعی است که باید در قالب یک برنامه جامع بازسازی و جبران خسارت دیده شود تا ظرفیت ارائه خدمات درمانی در مناطق

آسیب‌دیده در کوتاه‌ترین زمان ممکن احیا شود.
بهره‌گیری از ظرفیت خیرین برای بازسازی مراکز درمانی

عبدلی با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی دولت و مجلس برای تأمین منابع مالی و بازسازی عملیاتی زیرساخت‌ها تصریح کرد: «در این شرایط، ضرورت دارد دولت با نگاه عملیاتی وارد حوزه بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده شود و در کنار آن مجلس نیز با استفاده از ابزارهای قانونی و نظارتی، مسیر تأمین منابع و تسهیل تصمیمات حمایتی را هموار کند.»

عضو هیئت رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به لزوم تقویت تاب‌آوری نظام سلامت با طراحی مراکز درمانی مقاوم در برابر بحران‌های غیرترقیبه یادآور شد: «یکی از محورهای مهم در این شرایط، تقویت تاب‌آوری نظام ارائه خدمات سلامت در شرایط بحران است، به این معنا که مراکز درمانی باید به‌گونه‌ای طراحی و تجهیز شوند که در برابر شرایط غیرترقیسه، کمترین میزان اختلال را تجربه کنند.»

از نگاه این نماینده مجلس بهره‌گیری از ظرفیت خیرین و نهادهای حمایتی برای تسریع در تجهیز مجدد مراکز همچنین استفاده از ظرفیت نهادهای حمایتی، خیرین حوزه سلامت و مشارکت‌های مردمی می‌تواند در کنار منابع دولتی و بودجه‌ای، روند بازسازی و تجهیز مجدد مراکز آسیب‌دیده را سرعت بخشد.

عبدلی تأکید کرد: «امروز اولویت اصلی،



حسین ظهورنده استنیم

یادداشت

زندگی نسل «زد» در دنیای موبایل‌ها



مجید ابری

اسپشناس اجتماعی

چند سال است که هر طبقه از نسل‌های ما نامی گرفته‌اند که بر اساس آن، ویژگی‌های مختلفی بر آنها نهاده شده و بر مبنای آن طبقه‌بندی و شناسایی می‌شوند. خردسالان، نوجوانان و نسل زد، یعنی نسلی که در دوران معاصر، اینترنت و تلغن همراه اصلی‌ترین ابزار کار و زندگی روزمره آنها شده‌است. با توجه به این موضوع، نسل یاد شده فاصله عاطفی و رفتاری خاصی پیدا کرده

که تفاوت‌های چشمگیری با نسل‌های قبل دارد.

نسل‌های قبل از زد، تحت‌تأثیر رفتارهای والدین و مربیان بوده و باورهای اخلاقی و دینی آنها را به‌عنوان الگوهای خود قرار می‌دادند، اما امروزه در دست هر کدام از این نسل‌ها، یک

گوشی همراه به نشانه‌ای از عضویت در این طبقات تبدیل شده و خیره‌شدن به صفحه آن، به بی‌توجهی به اطرافیان و موضوعات و صحنه‌های موجود می‌انجامد. این نسل‌س دیگر به صحبت‌های والدین توجه چندانی ندارد و در مجالس و محافل مختلف، ضمن درگیر بودن با صفحات متعدد آن، سکوهای مختلف را برای خود مورد توجه قرار می‌دهد. افراط در کار با این وسیله، عمر متوسط دارندگان گوشی همراه را به ۹ سال رسانده و بسیاری از والدین، بهانه واہنی «کنترل فرزندان» را دلیل تهیه این ابزار می‌دانند، در حالی که این بهانه‌ها نیز همانند بسیاری از دلایل دیگر، بی‌پایه و اساس است.

وقتی معلم سر کلاس، والدین در خانه و شهروندان در نقاط مختلف، همگی سر در گوشی موبایل دارند، دیگر چه کسانی باید تربیت کاربردی را بر عهده بگیرند؟ خیره شدن به صفحه موبایل علاوه بر ضعف بینایی، مشکلات ارتوپدی در ناحیه گردن و ستون فقرات نیز ایجاد می‌کند و تنش‌های عصبی، از پیامدهای عمده این رفتار است.

متأسفانه رقابت در تهیه گوشی‌های گران‌قیمت و پرداخت هزینه‌های کارکرد آنها، بار سنگینی بر دوش خانواده‌ها و سبب اقتصادی‌شان وارد می‌کند. هیچ‌کس این سؤال را مطرح نمی‌کند که چرا از هر سر زوج، یک خانواده به سرنوشت طلاق دچار می‌شود. دیگر فرصتی برای گفت‌وگو میان زوجین، والدین و فرزندان وجود ندارد. بی‌توجهی به حرف‌ها و درددل‌های یکدیگر، اختلال رفتاری را در نسل زد به وجود آورده‌است.

اگر با اصرار والدین و بزرگ‌ترها، این نسل مجبور به شرکت در مجالس و محافل مذهبی و فرهنگی شوند، ۸۰ درصد از آنها خواص خود را معطوف به گوشی همراه کرده و توجهی به محیط و وقایع جاری در آن ندارند. عقب‌ماندگی درسی و تحصیلی و از دست رفتن فرصت مطالعه و ورزش در این نسل، به زعم این نگاه، هیچ علت دیگری غیر از گوشی همراه ندارد. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، هزینه‌های کلان خرید و پرداخت قبوض، باری سنگین بر دوش والدین است. رقابت‌های ناسالم میان نوجوانان در تهیه انواع گوشی‌ها، موجب بروز «فوباسوسیال» (بی‌توجهی به جامعه) می‌شود، به‌گونه‌ای که دیگر نوجوانان و جوانان توجهی به محیط اطراف ندارند و با تمرکز بر گوشی‌های همراه، از وقایع پیرامون خود غافل می‌مانند. اخیراً نیز استفاده از گوشی‌های بزرگ و قرار دادن آن بر دو گوش، بارها موجب بروز تصادف‌های مختلف به دلیل بی‌توجهی به اطراف شده‌است. در پاسخ به والدینی که تهیه گوشی همراه را ابزار کنترل فرزندان می‌دانند، باید از آنها پرسید مگر نسل‌های ما با گوشی تلفن همراه کنترل می‌شدند؟

غیر از ورود به صفحات غیراخلاقی و دور از ادب اجتماعی، فایده این گونه گوشی‌ها چه می‌تواند باشد؟ متأسفانه رسانه‌ها، به ویژه رادیو و تلویزیون، نیز به خاطر نگرانی از دست دادن مخاطبان، تمایلی به انتقاد صریح از این ابزار ندارند و نمی‌خواهند زبان‌های آشکار و پنهان آن را برای خانواده‌ها و نسل زد بیان کنند.

از طرفی نیز، نسل زد امروز کمتر تمایلی به مطالعه، هنرهای هفتم، نقاشی و حتی ورزش نشان می‌دهد و این حوزه‌ها به حاشیه رانده شده‌اند. خانواده‌ها باید با کمک مراکز ورزشی و رسانه‌ها، پیش از آنکه دیر شود، به فکر اصلاح و مدیریت این وضعیت در فرزندان خود باشند. بی‌تردید، بازگرداندن تعادل به زندگی این نسل، نیازمند یک عزم جمعی و بازتعریف جدی نقش خانواده، آموزش و رسانه در عصر فناوری است، در غیر این صورت، فاصله میان دنیای واقعی و زیست دیجیتال، هر روز عمیق‌تر خواهد شد.

یادداشت

دختر گانی که از مدرسه به دل‌ها کوچ کردند

مهساگر بندی

بیش از ۵۰ روز گذشته، اما جای خالی‌شان هنوز هم حس می‌شود و نبودشان در هر گوشه و کنار خانه، غمبار است. دیروز، در روزی که بسیاری برای دخترانشان گل خریدند و هدیه گرفتند، پدران و مادران دخترکان مدرسه میناب اما، با دلی سوخته و چشمانی که هنوز فرصت خشک‌شدن اشک نیافته‌بود، میان جمعیت چشم می‌گرداندند، تا شاید، نشانی از چهره‌ای آشنا بیابند، اما هیچ چهره‌ای آن قدر آشنا نبود که بتوانند درشان را تسکین دهد.

این روزها، بهانه کم ندارند، بهانه برای اشک‌هایی که گویی قرار است تا همیشه بر گونه‌هایشان جاری بماند. چشمانی که از این پس، انگار برای همیشه به در دوخته می‌شود. چه کسی می‌توانست چنین روزی را تصور کند؟ آن صبح معمولی، همان صبحی که با شتابی آشنا، فرزندانشان را برای رفتن به مدرسه آماده می‌کردند، در حقیقت لحظه‌ای برای آخرین وداع‌شان بود، البته بی‌هیچ نشانه‌ای و حالا، هر بار که به گذشته برمی‌گردند، حسرتی سنگین بر دلشان می‌نشیند، اینکه‌ای کاش با آغوش تنگ‌تر و بوسه‌های طولانی‌تر، برده‌شان می‌کردند. شاید حتی گاهی خود را ملامت می‌کنند و به خود و هر آنچه رنگ درس و مدرسه دارد، بد و بیراه بگویند، کسی نمی‌داند.

غم است دیگر، منطق نمی‌شناسد. بی‌هشدار می‌آید و آدمی را تا ژرفای تاریک‌ترین چاه‌های اندوه فرو می‌برد، آنچنان که حتی شیرین‌ترین لحظات دیگران هم، برایشان طعمی از اندوه و حسرت می‌گیرد.

این روزها، بارها و بارها، نام دخترکان معصوم مدرسه میناب را می‌شنویم، کودکانی که در یک لحظه، همه زندگی از آنها گرفته شد. هر بار شنیدن و دیدن این روایت‌ها، زخمی تازه بر جانمان می‌زند، اما حقیقت این است که اندوه ما کجا و اندوه پدران و مادرانی که ثمره یک عمرشان را از دست داده‌اند، کجا؟

تا همین سال گذشته، روز دختر برای آنها هم روزی روشن و دوست‌داشتنی بود، روزی که شاید برایش شوق داشتند و تدارک کلی ساده اما گرم می‌دیدند، اما امسال، حتی شنیدن نامش هم خنجری است بر دلشان! وای از دلشان...! دل‌هایی که ما هرگز نخواهیم دانست در این ۵۰ روز چه بر آن گذشته و در چنین روزی، چه درد جانکاهی را تجربه کرده‌است.

شوخی نیست، دیروز، خانه‌های بسیاری در سکوتی سسنگین فرو رفته‌بود. نه صدای خنده‌ای، نه شوقی برای تدارک جشن و نه نوری از شادی، روزی که باید بر از زندگی می‌بود، در خانه دخترکان مدرسه میناب به تلخ‌ترین شکل ممکن گذشت.

اگر چه راه‌ها برای بسیاری، دور است و دست‌هایشان به میناب نمی‌رسد، اما مگر دل‌ها، فاصله می‌شناسند؟! مگر اندوه جز جغرافیا دارد؟! بعضی غم‌ها آن قدر بزرگند که از یک شهر فراتر می‌روند و در حافظه یک ملت تا ابد می‌مانند.

بدون شک، دخترکان میناب دیگر فقط نام‌هایی در یک خبر نیستند، آنها نشانه‌ای از معصومیتی ناتمام و از لبخندهایی‌شدند که ناگهان در جایی دورتر ادامه یافته‌است. جای خالی آنها، تنها در خانه‌های خودشان نیست، بلکه در دل تک‌تک مردم این سرزمین، حرف‌های کوچک اما عمیق ساخته‌است؛ حرفه‌ای که هر بار به یادشان می‌آفتیم، دوباره و دوباره خود را نشان می‌دهد.

ماندگاری که فقط به بودن نیست، به یاد شدن است. به اینکه نامشان، قصه‌شان و جای خالی‌شان فراموش نشود. به اینکه هر بار از «دختر» می‌گوییم، ردی از دخترکان میناب نیز در ذهن‌مان زنده شود و شادی‌هایمان رنگی عمیق‌تر و انسانی‌تر بگیرد.

اکنون، میناب دیگر فقط یک نقطه روی نقشه نیست، بلکه روایتی است از یک داغ، از آوار یک مدرسه بر سر دانش‌آموزانش در یک جنایت هولناک، از غمی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود، اما این داغ، این آوار و این غم، به خاطر‌های تلخ و ماندگار تبدیل می‌شود.

شاید نتوانیم در دبدران و مادران دخترکان میناب را کم کنیم، اما می‌توانیم اجازه فراموش شدن آنها را ندهیم و گاهی همین به یاد داشتن، همین زنده نگهداشتن نام‌هایشان، خود هممی می‌شود بر دل‌هایی که هنوز در غیابشان می‌تپد، هر چند کوچک اما صادقانه و با تمام وجود.

بازگرداندن سریع خدمات به مناطق آسیب‌دیده، تقویت زیرساخت‌ها و استفاده هماهنگ از ظرفیت دولت، مجلس و خیرین برای ترمیم خسارات و ارتقای آمادگی نظام سلامت در برابر بحران‌های احتمالی آینده است.»

انتظار

«محمد جمالیان» دیگر عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس هم درباره بازسازی مراکز بهداشتی، درمانی و بیمارستانی آسیب‌دیده در جنگ اخیر گفت: «آوردن ردی‌ها انجام شده و در مرحله بعدی ارزیابی‌های اولیه از خسارات وارده هم صورت گرفته‌است. البته خسارت وارده به اکثریت مراکز درمانی جزئی و در حد شکسته‌شدن در و شیشه بود که تعمیرات آنها انجام شده‌است.»

وی درباره وضعیت بیمارستان‌هایی که در جنگ آسیب کامل دیده و از مدار خدمت خارج شده‌اند هم عنوان کرد: «این گروه از مراکز در انتظار تأمین بودجه هستند تا کار بازسازی آنها شروع شود.»

این عضو کمیسیون بهداشت مجلس افزود: «ارز یابی دقیق ریالی از خسارات وارده را هنوز نداریم. ضمن اینکه هنوز جنگ هم به پایان نرسیده، به همین علت کار بازسازی بیمارستان‌هایی که با آسیب‌های جدی‌تر مواجه بوده‌اند، مانده‌است، اما پیگیر هستیم که اقدامات لازم هر چه سریع‌تر انجام شود تا مراکزکی که تخلیه‌شده و فعال نیستند، هر چه سریع‌تر خدمات خود را از سر بگیرند.»



نیستند که بتوانند با اختصاص آن به جبهه مقاومت کمک‌کار پیروزی ایران باشند. خیلی‌ها هم حقوق بگیرند، نمی‌تواند چ‌طور باید این کمک‌ها را به دست صاحبان آن برسانند تا صرف جنگ شود.

دقتر رهبر معظم انقلاب که مورد اقبال خاص

کرده‌است. همدلی و کمک مالی به جنگ، می‌تواند این حماسه‌های کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر را تکمیل کند. بسیاری از ایرانیان می‌خواهند برای پیروزی‌های بیش از پیش ایران در جنگ برنامه جامع بازسازی و جبران خسارت دیده از مال خود بذل کنند، اما راه آن را نمی‌دانند.

خیلی‌ها مثل رئیس قوه قضائیه حقوق‌بگیر



در راستای کمک به آسیب‌دیدگان در جنگ تحمیلی سسوم اعم از ایرانی یا محصور مقاومت (به ویژه لبنان) با تشخیص مسئولان ذریبط پرداخت کند.

«پران همدل» در بزنگاه‌های ایران رخ‌نمایی کرده‌است. از کرونا گرفته تا سیل و زلزله؛ هر‌گاه برای بخشی از جامعه ایرانی مشکلی پیش آمده و حادثه‌ای رخ داده‌است، همه ایران یکپارچه برای کمک به پا خواسته است. حالا هم همه ما در گیر جنگی ظالمانه‌ایم. پیروزی‌های شگرف میدان و خیابان، حماسه‌های ماندگاری از خلق

رئیس قوه قضائیه ۵۰ درصد از حقوق خود را به مدت شش ماه برای کمک به آسیب‌دیدگان جنگ اختصاص داد. کمک به میدان جنگ و آسیب‌دیدگان از جنگ می‌تواند با اعلام یک شماره حساب از سوی دفتر رهبر انقلاب به یک پویش فراگیر ملی تبدیل شود. آثار و برکات چنین پویشی، همانند همدلی‌های گذشته در کشور ما، در تاریخ ایران ماندگار خواهد شد. رئیس قوه قضائیه به معاون مالی و پشتیبانی قوه قضائیه دستور داد که ۵۰ درصد حقوق و دریاقتی ماهانه وی فعلا به مدت شش ماه (از فروردین تا شهریور ۱۴۰۵) به مصارفی در راستای کمک به آسیب‌دیدگان در جنگ تحمیلی سوم اعم از ایرانی و جبهه مقاومت (به ویژه لبنان) اختصاص یابد.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، در راستای پویش ایران همدل و پشتیبانی مردمی از خانواده‌های آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی سوم، به معاون مالی و پشتیبانی قوه قضائیه دستور داد، ۵۰درصد حقوق و دریافتی ماهانه خود، فعلا به مدت شش ماه (از فروردین تا شهریور ۱۴۰۵) به مصارفی